

واکاوی سیر تحول آینه و آینه‌کاری در تزئینات معماری قبل از میلاد تا دوره پهلوی

محمد نیک سرشت / دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر، موسسه آموزش عالی فردوس، مشهد، ایران.*
mohammad.nikersht4216@gmail.com

چکیده

هنر آینه‌کاری جزو هنرهای مختص ایران می‌باشد که نمونه‌های آن را در اماکن مذهبی و کاخ‌های سلطنتی و گاهی در خانه‌های اعیانی مشاهده می‌کنیم. این هنر از جمله مهم‌ترین تزئینات مطرح شده در هنرهای سنتی ایران می‌باشد که به کارگیری از این عناصر تزئینی از کاخ‌ها تا اماکن متبر که به خوبی صورت گرفته‌است. حاصل این هنر ایجاد پرده‌های درخشان پرتالو است که از بازتاب پی در پی نور در قطعات درخشان آینه پدید می‌آید. یک بخش مهم و تخصصی در تزئینات معماری در آینه‌کاری، تالار آینه است که به عنوان یکی از مشخصه‌های اصلی کاخ‌ها و برخی خانه‌های اعیانی (به خصوص در شیراز) که انواع و اقسام متنوعی از تزئینات آینه‌کاری را در خود جای داده‌است. هنر آینه‌کاری بر روی دیوار و سقف اجرا می‌شده، بر روی دیوار معمولاً با برجستگی کم و با قاب‌بندی‌های مربع و مستطیل به هم با طرح‌های مختلف از جمله گل و گلدان آرایه می‌شده و آینه‌کاری بر سقف بیشتر نسبت به دیوار در تلفیق با نقاشی و تزئینات چوبی رایج بوده‌است. آینه‌کاری در تزئینات معماری ایرانی قرن‌ها به خوبی جای گرفته بود، ولی متأسفانه، عظمت هنر آینه‌کاری رفته رفته به دست فراموشی سپرده شده‌است. ضرورت پاسداری از حفظ و گسترش این هنر زیبا و شگفت در کنار سایر هنرهای دستی و تزئینی آشکار است. در این پژوهش، در وهله اول، روند چگونگی ایجاد این هنر زیبا را در ایران بررسی می‌نماید و نیز به معرفی چند نمونه آثار به جا مانده از این هنر را در برخی مناطق با دید جامع‌تری بررسی و مقایسه نمایند تا در نهایت، با آشنایی بیشتر با این هنر تزئینی قدم کوچکی در حفظ آثار و معرفی آن برداشته شود.

کلیدواژه‌ها: آینه‌کاری، سیر تحول، تزئینات معماری، دوره پهلوی.

Examining the Progression of Mirrors and Mirror Work in Architectural Decorations from BC to the Pahlavi Period

Mohammad Nikseresht / Master student of Art Research, Faculty of Arts, Ferdows Institute of Higher Education, Mashhad, Iran.*

mohammad.nikersht4216@gmail.com

Abstract

The art of mirror work is one of the arts specific to Iran, examples of which can be seen in religious venues and royal palaces and sometimes in noble homes. The traditional arts of Iran have used this art as one of their most important decorations, and it has been used effectively from palaces to sacred places. The shimmering curtains created by the successive reflection of light in the shiny pieces of the mirror are the outcome of this art. An important and specialized part of architectural decorations in mirror work is the Hall of Mirrors, which is one of the main characteristics of palaces and some noble houses (especially in Shiraz), which contains various types of mirror work decorations. The art of mirroring is performed on the wall and ceiling, on the wall it is usually presented with a low relief and with square and rectangular frames together with different designs, including flowers and vases, and mirroring on the ceiling is more than the wall in combination with paintings and wooden decorations. It has been a regular occurrence. The work of the mirror has been well placed in the decoration of Iranian architecture for centuries, but unfortunately the greatness of the art of mirror work has been progressively forgotten. The need to protect and extend this beautiful art as well as other craft and decorative arts is evident. In this research, in the first place, it examines the process of how this beautiful art was created in Iran, and also by introducing some examples of the remaining works of this art in some regions, they examine and compare them with a more comprehensive view, so that finally, with more familiarity With this decorative art, a small step can be taken in preserving the works and introducing it.

Keywords: mirror work, evolution, architectural decorations, Pahlavi period.

مقدمه

ایران سرزمینی کهن است که هنرمندان بسیاری را در خود پرورش داده است. یکی از هنرهایی که مختص ایران زمین می باشد، آینه کاری است. هنر آینه کاری یکی از زیباترین هنرهای سنتی ایران است و از ابتکارهای ویژه هنرمندان ایرانی به شمار می رود که در دوره های مختلف از جمله ساسانیان، قاجار و صفویه در ایران رایج بوده است و عمدتاً برای تزئین داخلی بناها به کار می رفته است. در فرهنگ ایرانی، آب و آینه همیشه به عنوان نماد پاکی، روشنایی و راست گویی مورد توجه قرار گرفته است. احتمالاً به کارگیری آینه در تزئینات داخلی بناها به همین فرهنگ بازمی گردد. طرح های منظم، نقش های متنوع به وسیله قطعات کوچک و بزرگ آینه، تشعشع و درخشش و زیبایی خاصی ایجاد می کند. به اعتقاد برخی، آینه های بسیار ریز در کنار هم تصاویر شکسته ای ایجاد می کنند و تصویر واقعی شی می شکند در نتیجه، تصویری نامفهوم پدید می آورد که به اعتقاد آنها این تصویر حقیقی شی و افراد است که به صورت مبهم پدیدار می شود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی است و گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه ای بوده است.

پیشینه پژوهش

پروژه های پژوهشی گوناگونی تاکنون در زمینه هنر آینه کاری صورت گرفته است. برخی از این پژوهش ها، به مطالعه نمونه های موردی بناهای دارای تزئینات معماری آینه کاری پرداخته اند و آرایه های مورد نظر را از دیدگاه طرح، نقش، شکل و عناصر بصری تحلیل و تطبیق نشانه های بصری با حیطه هنرهای تجسمی ارائه کرده اند. پس می توان گفت بیشتر پژوهش های انجام شده جنبه تاریخی و تطبیقی با نمونه موردی داشته اند. بیشتر پایان نامه های موجود اغلب پژوهش محور هستند، لیکن برخی از آنها نیز به حیطه عملی اختصاص داده که بسیار خلاصه و بدون متد در طراحی و فرآیند تولید می باشند. بررسی های انجام شده در مطالعات آینه کاری بر اساس موارد زیر است:

۱. تاریخچه آینه‌کاری در رابطه با بناهای تاریخی.
 ۲. شیوه‌های آینه‌کاری.
 ۳. نمادشناسی آینه در فرهنگ و هنر.
 ۴. مطالعه تطبیقی آینه‌کاری با سایر هنرها.
 ۵. مرمت آثار آینه‌کاری.
- پژوهش‌های انجام شده در رابطه با تاریخچه آینه‌کاری:
۱. بررسی فن ساخت و آینه‌کاری در تزئینات معماری ایران (با نگاهی ویژه به اصفهان دوره صفوی)، میثم میش مست نهی و عباس عابد اصفهانی، ۱۳۸۶.
 ۲. بازشناسی الگوهای آینه‌کاری در بناهای قاجار شهر شیراز، محمد علی آبادی و سمیه جمالیان، ۱۳۹۱.
 ۳. بررسی و مقایسه آینه‌کاری تالار آینه در کاخ گلستان و کاخ سعدآباد، داوود یوسفعلی، ۱۳۹۵.
 ۴. بررسی حکمت هنر آینه‌کاری در معماری اسلامی (نمونه موردی: خانه‌های تاریخی ادبی)، ناهید تقوی، ۱۳۹۳.
- همچنین پژوهش‌هایی در مورد مطالعات تطبیقی و مقایسه آینه‌کاری در بناهای به جا مانده و فاخر هنر آینه‌کاری انجام گرفته‌است:
۱. ساجدی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «مطالعه ویژگی‌های فنی و هنری آینه‌کاری کاخ‌های قاجاری و پهلوی تهران (مطالعه موردی: کاخ گلستان، کاخ سعد آباد، کاخ صاحب قرانیه)» به مقایسه چند مورد از آثار به جا مانده مهم پرداخته‌است.
 ۲. ساسانی شهر نوی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «اهمیت و ضرورت نور در معماری با تأکید بر هنر آینه‌کاری (نمونه موردی: مجتمع چند عملکردی)» به اهمیت نور در آینه‌کاری و کاربرد امروزی آن پرداخته‌است.
- همچنین مطالعات انجام شده در زمینه آینه‌کاری اکثراً به پیشینه و خواستگاه این هنر پرداخته‌است. از جمله، یوسفی کیانی (۱۳۷۶) به تزئینات وابسته به معماری ایرانی دوره اسلامی و همچنین سمسار ذیل مدخل «آینه‌کاری» در *دایرة المعارف بزرگ اسلامی* به معرفی تاریخی این هنر پرداخته‌است. شعرفا (۱۳۷۲) در کتاب *گره و آینه‌کاری* صرفاً به بررسی طرح‌های گره در بناهای دارای آینه‌کاری پرداخته‌است و همچنین فولادوند (۱۳۸۴)

در مقاله ای تحت عنوان «تجلی حقیقت در معماری خانه‌های خدا» طرح‌های گره و اسلیمی را معرفی می‌کند. همچنین می‌توان به پژوهش‌های سمسار و ذکا در *دایرة المعارف بزرگ اسلامی* (۱۳۸۱)، پوپ در کتاب *سیری در صنایع ایران* (۱۳۵۵)، هنرفر در کتاب *معماری دوره اسلامی* (۱۳۷۶)، بلخاری در کتاب *مبانی عرفانی و معماری اسلامی* (۱۳۸۴) و مجموعه آثار فرمانیان اشاره کرد.

آینه

آینه واژه‌ای پهلوی است و اصل آن از «آدونک akasvenak-ven-ad» به معنی «آیین، رسم، نوع، وجه، شکل، مثال» و از «آینک ayenak-ak-ayen» به معنی «دیدن» ساخته شده‌است. یعنی چیزی است که بدان شکل را می‌بینم (مقیمی پور، ۱۳۸۷: ۷۰). آینه در ادب فارسی و باور مردم نماینده صفا، پاکی، راستی و راست‌گویی است و در ادبیات عرفانی، در معانی گوناگونی همانند دل، نیستی، پیر و انسان کامل به کار گرفته شده‌است؛ چنان‌که حافظ دل را به آینه تشبیه کرده‌است و می‌فرماید:

دل که از آینه صافی غباری دارد / و از خدا می‌طلبم صحبت روشنایی را
حضور و استمرار این شی شفاف در طول تاریخ و فرهنگ ایران، زمینه‌ساز استفاده از ذوق و خلاقیت هنری، هنرمندان شده‌است به نحوی که آثار بی‌بدیل هنری در قالب ساختار آینه، قاب‌های آینه و نیز آینه کاری در معماری بناها به وجود آمد (همان: ۷۱). آینه کاری را می‌توانیم هنر ایجاد اشکال منظم در طرح‌ها و نقش‌های متنوع با قطعات کوچک و بزرگ آینه به منظور تزئین سطوح داخلی بنا دانست. حاصل این هنر، ایجاد فضای درخشان و پر تلالو است که از بازتاب پی‌درپی نور در قطعات درخشان آینه پدید می‌آید (علی آبادی و جمالیان، ۱۳۹۱: ۲۷).

سیر تحول ساخت آینه

انسان بعد از این که تصویر خود را در آب‌های ساکن دیده، به دنبال آن بود که ابزاری برای خود بسازد تا فارغ از آب، تصویر خود را در آن ببیند. بدین منظور، به سبیل دادن سطوح روی آورد و در نهایت، آینه فلزی را ساخت. مصداق آن را می‌توان از کاوش‌های باستان‌شناسان پیگیری کرد. نمونه‌هایی از این آینه‌ها به همراه کالبد زنان به خاک سپرده شده بود، یافت شد. علاوه بر این، باستان‌شناسان دریافتند در هزاره چهارم ق.م در سیلک کاشان، مردم از

آینه‌های محدب مسی استفاده می‌کردند (یوسفعلی، ۱۳۹۵: ۲). در طی این دوران تا قرن اول میلادی، تغییراتی در جنس آینه‌های فلزی رخ داد. از این آینه‌ها استفاده می‌شد، تا این‌که آینه شیشه‌ای در شهر صیدون (صیدا در لبنان امروزی) ساخته شد، زیرا در شیشه‌گری تبحر بسیار زیادی داشتند (همان: ۷). البته شایان ذکر است که آینه‌های امروزی برای اولین بار توسط شیمیدان آلمانی (بوستون فون لیبک) در سال ۱۸۳۵ اختراع شد. در قرون دوم و سوم میلادی آینه‌های شیشه‌ای به جای آینه‌های سیم‌اندود را گرفت. البته قدمت شیشه به هزاره سوم قبل از میلاد بازمی‌گردد که در سال ۲۰۰۰ قبل میلاد از سومر وارد مصر شد. نمونه‌هایی از تمدن ایلام در چغازنبیل به دست آمده‌است. یهودیان و فنیقیان صنعت شیشه‌گری را از بابلیان آموخته بودند و بعد از آن به روم یافت (همان: ۲).

تاریخچه استفاده از آینه در ایران

یافته‌های باستان‌شناسی در ایران نشان می‌دهد که مردمی که در هزاره چهارم قبل از میلاد در سیلک کاشان زندگی می‌کردند، از آینه‌سازی آگاهی داشتند، آینه‌های گرد که از مس و تقریباً به شکل محدب به دست آمده گواه این امر است. آینه‌های ساخته شده در ایران باستان، عموماً صفحات مسین بودند به نحوی که صیقلی شده و قابلیت انعکاس می‌یافتند. پس از آن که مس جای خود را به مفرغ داد، آینه‌های مفرغی به وجود آمدند (مقیم پور بیژنی، ۱۳۸۷: ۷۳).

از حفاری‌های تپه حصار دامغان، شوش، خورین و سایر نقاط ایران آینه‌های برنزی به دست آمده که قدمت آن‌ها به هزار تا سه هزار سال قبل از میلاد بازمی‌گردد. این آینه‌ها اغلب دارای دسته‌های کوتاهند؛ اگرچه از دوره امپراتوری با عظمت هخامنشی تا کنون آینه به دست نیامده‌است، اما نمی‌توان آینه و سابقه آن را در کافه قچرای (زمستانی) داریوش بزرگ نادیده گرفت (همان). «این بنا از کاخ‌های زیبای تخت جمشید می‌باشد و قسمتی از آن مانند درگاه، طاقچه‌ها، قسمتی از دیوارها تقریباً سالم مانده، از سنگ‌های سیاه کاملاً صیقلی شده‌است. شفافیت سنگ‌های این کاخ به ویژه قسمت داخلی پنجره‌های تالار مرکزی به گونه‌ای است که تصویر چهره به خوبی در آن منعکس می‌شود. به همین سبب، این تالار را تالار آینه نامیده‌اند، تالار مرکزی کاخ قچرای را باید نخستین تالار آینه ساخته شده در جهان دانست» (همان: ۷۴).

«صنعت شیشه‌سازی در ایران تقریباً به زمان اشکانیان و ساسانیان باز می‌گردد؛ به طوری که می‌توان گفت مهارت شیشه‌سازان ساسانی بسیار قابل توجه بوده‌است. آینه‌های شیشه‌ای که در سده دهم هجری قمری (شانزدهم میلادی) از اروپا به ویژه (ونیز) به ایران وارد می‌شد، در مسیر راه حمل و نقل آسیب می‌دیدند و می‌شکستند. هنرمندان ایرانی برای بهره‌گیری از این قطعات شکسته آن‌ها را در قالب هنر آینه کاری استفاده می‌کردند» (زارعی، ۱۴۰۰: ۲۵).

در سده سیزدهم هجری قمری (نوزدهم میلادی)، آینه کاری رو به تکامل و ترقی نهاد. این تکامل تدریجی و محسوس بود. جام‌های نازک در آلمان ساخته و به ایران فرستاده می‌شد. آینه‌کاران ایرانی به سادگی این جام‌ها را به شکل‌های هندسی دل‌خواه خود برش می‌زدند. در ابتدا، آینه کاری به صورت نصف جام‌های یک‌پارچه بر بدنه و بنا معمول بود. در چهل ستون اصفهان، آینه‌های بزرگ و شفاف بر دیوار نصب کرده بودند که «چهل نما» نامیده می‌شود. سپس قطعه‌های آینه به تدریج کوچک‌تر شدند تا اینکه در پایان سده سیزدهم هجری قطعه‌های کوچک آینه به شکل مثلث، لوزی، شش گوش و جز آن در آمدند، هنرمندان آن را به صورت الماس تراش به کار می‌بردند (همان).

در دوره صفوی، کوشش برای آراستن نمای داخلی بناها با استفاده از آینه و قاب‌های گوناگون آغاز شد و ساخت قاب آینه کاری هنری شد. این قاب‌ها به وسیله هنرمندان نگارگر که بیشتر به قلمدان‌سازی می‌پرداختند، در شهرهایی مانند تهران، شیراز، اصفهان و رشت ساخته می‌شدند (مقیم‌پور بیژنی، ۱۳۷۸: ۷۴).

در دوره زندیه، تعداد کمی قاب آینه در دست است از جمله قاب‌های آینه چوبی دیواری کار قزوین که درون آن مانند نمای بیرونی، آن مزین به گل و صور پرنده‌گان بود. قاب‌های آینه در دوره قاجار اغلب به سبک ایرانی و با در ساخته می‌شد، نقوش قاب آینه‌ها عموماً شامل طرح گل و مرغ و برگ و بته و نقوش انسانی و گاه داستان‌های تاریخی بود و برخی در دوره قاجار بیان‌گر رویدادها و نیز شرایط اجتماعی و سیاسی آن دوران بوده‌است. استفاده از آینه و آینه کاری در ایران، تنها به ساخت آینه و قاب‌های آن محدود نشد، بلکه هنرمندان آینه کار عصر صفوی، با استفاده از شیوه و شگرد ساخت کاشی‌های «معرق» آغازگر رواج و اجرای این هنر پویا در اشکال متنوع هندسی بوده‌اند و با چیدن قطعه قطعه آینه‌ها در دیواره‌ها و سقف و غیره آن را گسترش دادند (همان).

سیر تحول آینه‌کاری

«آینه‌کاری در آغاز به صورت نصب شیشه‌های یک پارچه و روی بنا رایج بوده‌است؛ چنان‌که در کاخ چهلستون اصفهان بر دیوار سر حوض، آینه بزرگ و شفافی نصب شده بود که به آینه چهل ستون‌نما یا جهان‌نما مشهور است و بزرگی و روشنی آن بدان حد بود که با وارد شدن تصویر مردمی از دربار به خانه چهلستون (فاصله ۱۸۰ متری) بنا در آینه دیده می‌شد. سپس قطعات آینه به تدریج کوچک‌تر و ریزتر شد؛ تا آن‌که در پایان سده ۱۳ هجری قمری، قطعات آینه به اشکال مثلث، لوزی، شش گوش و غیره درآمد و هنر هنرمندان آن را به صورت الماس تراش به کار بردند. روش‌های هندسی تنظیم عناصر ساختاری در هنر ایرانی سابقه دارد، لیکن آینه‌کار آن را با صراحت و وضوح مورد استفاده قرار می‌دهد. این طرح هندسی با تقسیم دایره و اجزای مساوی آغاز می‌شود. بسته به این که دایره در ابتدا به سه، چهار و پنج قسمت تقسیم شده باشد، پایه موزون یا [اریتمیک] این شبکه، مثلث متساوی الاضلاع مربع یا پنج ضلعی (ستاره پنج پر) و همچنین مضرب این اشکال، یعنی شش ضلعی یا دو مثلث درهم (ستاره شش پر) هشت ضلعی (ستاره هشت پر) و غیره خواهد بود. در نیمه دوم سده چهارم هجری، آینه‌کاری همراه با گچ‌بری رواج یافت و در آینه‌کاری نوآوری‌های تازه‌ای به وجود آمد. آینه‌کاری با گچ‌بری به کار رفته در حقیقت آمیزه‌ای از هر دو هنر به شمار می‌آید. کاربرد شیشه‌های رنگی در سطوح وسیع‌تر، ایجاد نقوش و طرح‌های تازه همچون گل و بوته، نقوش اسلیمی و کاربرد شیشه‌های کاو (محدب) که به صورت آینه درمی‌آید از ویژگی‌های این دوره‌است» (نیک پی و سعادت، ۱۳۹۷: ۴). در این روش، تازه قطعات آینه و شیشه برخلاف روش سنتی که تمام قطعات به شکل هندسی و گوش‌دار برش می‌خوردند، به اشکال مددور بریده شده و شکل‌های غیر هندسی را می‌سازند. در این شیوه، قطعات گاهی بر شیشه چسبانده می‌شود. این شیوه جدید آینه‌کاری یاقوتی مشهور است (همان).

آینه‌کاری در معماری قاجار

در این دوره، برای تزیینات بناهای سلطنتی و همچنین زیبائگاری از آینه‌کاری به فراوانی استفاده می‌شود و به همین علت، در دوران قاجار، روز به روز رونق می‌گرفته‌است. آثار شگرفی از متن‌بندی‌ها، رسمی‌بندی‌ها، آهنگ‌های آویز و همچنین نقاشی و خطاطی در پشت آینه‌ها به وجود آمد؛ مانند کاخ نیاوران و کاخ گلستان و رواق‌های اطراف حرم امام رضا (ع).

برخی از بناهای آینه کاری شده دوره قاجار

۱. بقعه امامزاده ابراهیم در کاشان: این بنا دارای گنبد کاشی فیروزه‌ای با گل دسته‌های مرتفع کاشی کاری و منحنی وسیع و حیوان و رواق‌های دیدنی با گچ‌بری آینه کاری و نیز نقاشی مذهبی است که بر سقف اصلی حرم (بالای ضریح) در قالب قاب‌های تزئینی دیده می‌شود. ایوان آینه کاری، به کارگیری هنر قرینه‌سازی در بیشتر آثار این بنا، استفاده از تزئینات آینه کاری و نقاشی در سقف مسطح ایوان ستاره شمالی ۴۵ قاب بیضی شکل گچی که وسط آن آینه کاری شده، از مشخصات بی نظیر این مجموعه است.

۲. آینه کاری در حرم امام رضا علیه السلام در مشهد: نخستین آینه کاری در زیر گنبد روضه منوره، در دوره ناصرالدین شاه در سال ۱۲۷۵ قمری انجام گرفت. در این دوره، آثار تزئینی موجود از دوره صفوی با آینه پوشش یافت. مقرنس با آینه‌های منقوش اشکال مختلف و اسلیمی به رنگ‌های طلایی، نقره‌ای، لاجوردی و سنگرفی تزئین شد و کتیبه گچبری با مضمون سوره جمعه که در قسمت پاکار گنبد قرار گرفته و به خط ثلث جلی با آینه زینت یافت. به تدریج دیگر باغ‌ها و بناهای اطراف روضه منوره به آینه کاری هنرمندانه‌ای آراسته شد؛ چنان‌چه اوج هنر آینه کاری این دوره را تزئینات دارالسیاده ذکر کرده‌اند. این رواق با طرح‌های گرد اسلیمی و ختایی، ترنج‌بندی، خط و کتیبه با استفاده از آینه‌های رنگی آراسته است.

۳. نارنجستان قوام در شیراز (ساخته شده در سال‌های ۱۲۵۷ ق علی محمد خان قوام الملک تا ۱۳۰۰ میرزا محمد خان): در این عمارت، هفت هنر ایرانی شامل گچ‌بری، نقاشی سنتی، آینه کاری، سنگ تراش، معرق کاری، منبت کاری و آجر کاری قابل مشاهده است. بنا به ادعای منتقدان آگاه، آذین تالار آینه و بنای عمارت نارنجستان بی‌هیچ گزافه و اغراق در سال ۱۳۱۸ ق سرنوشت‌سازترین نهضت در احیای هنرهای ظریفه و معماری سنتی عصر قاجار و تجلی هنر آینه کاری و نقاشی روی چوب به شمار می‌رود.

۴. باغ و کاخ گلستان در تهران: کهن‌ترین بنای موجود در کاخ گلستان، ایوان تخت مرمر و خلوت کریم خانی متعلق به کریم خان زند است. تالار آینه در قلب تالار سلام و در بالای سردر و ایوان سنگی سراسری کاخ قرار دارد و یکی از تالارهای مشهور کاخ گلستان است. ساخت تالار آینه با تالار سلام حدود ۱۲۹۱ هجری قمری آغاز گردید و در سال ۱۲۹۴ ق پایان یافت. در سمت جنوب محوطه کاخ گلستان بعد از عمارت بادگیر، تالار الماس قرار دارد.

اساس این تالار در زمان فتحعلی شاه نهاده شد. این بنا به مناسبت آینه‌کاری‌های داخلی‌اش به نام الماس خوانده شده‌است.

۵. کاخ صاحب قرانیه (از مجموعه کاخ‌های نیاوران در تهران): ناصرالدین شاه در سال ۱۲۶۷ ق دستور ساخت عمارت صاحب قرانیه را داد. آینه‌کاری‌های ظریف با گچ بری‌های هنرمندانه وارثی‌های چشم نواز به عظمت این بنا می‌افزاید. هنر آینه‌کاری در قسمت‌های مختلف این بنا از این بنا از جمله تالار آینه، کرسی خانه و حوض خانه به چشم می‌خورد.

کاخ گلستان

کاخ گلستان با مساحتی حدود ۵/۴ هکتار به زمان شاه عباس صفوی ۹۵۹ هجری شمسی برمی‌گردد که در جنوب تهران و شمال بازار بزرگ واقع شده‌است. این کاخ تغییرات و تحولات سیاسی و تاریخی چهار دوره را به چشم دیده‌است و محل تاج‌گذاری و آمدگاه شاه‌های زمان خود بوده‌است. در ورودی باغ و انتهای حوض و آب‌نما و ایوان تخت مرمر جای گرفته‌است که محل تاج‌گذاری رضا شاه پهلوی بود. آقا محمد خان قاجار بعد از این که کاخ وکیل در شیراز را ویران نمود، آثار آینه‌کاری، ستون‌های یک‌پارچه سنگین و درهای خاتم آن را به این ایوان (تخت مرمر) منتقل کرد. در ضلع جنوب شرقی باغ، عمارت بادگیر قرار گرفته‌است. در ضلع شرقی مجموعه، عمارت شمس‌العماره قرار دارد که به دستور ناصرالدین شاه ساخته شده‌است و از بناهای مرتفع تهران در زمان خود بوده‌است. درون این عمارت نیز آثار با ارزش آینه‌کاری نیز یافت می‌شود که تا ایوان آن نیز ادامه دارد (یوسفعلی، ۱۳۹۵: ۷).

تالار سلام: یکی از ارزشمندترین کارهای این مجموعه که در شمال غربی این مجموعه واقع شده‌است. کاخ اصلی دارای تالار سلام، تالار آینه، تالار عاج و تالار ظروف است. تالار سلام که برای تاج‌گذاری و ورود مهمانان به همین نام گمارده شده بود، دارای دهانه‌های بزرگ، پنجره‌های بلند در سمت چپ و گچ‌بری‌هایی که با آینه‌کاری مزین شده‌است. دیوار شمالی و مقابل پنجره‌های آن و حتی روی ستون‌ها، تصویر پنجره به صورت طاق منعکس گردیده‌است که با آینه‌کاری درون آن نور را در کل فضای اتاق منتشر می‌کند. این آینه‌ها به صورت جامع یک‌پارچه که با یک قاب آینه‌کاری آن را نمایان می‌کند (همان).

تالار آینه: این تالار در غرب تالار سلام و بالای پلکان ورودی مستقر شده‌است که در نوع خود بسیار جذاب و گیرا است. قبل از ساخت داخل تالار آینه یک کلاه فرنگی چهل ستون

چوبی در آن قرار داشت. این تالار حدود ۱۲۵۲ هجری شمسی ساخته شده است، اما تزئینات آن تا سال ۱۲۶۰ ادامه یافت. این تالار دارای سقفی است که با پمیون مستطیل تقسیم بندی شده است که روی هر کدام از آن‌ها دارای طرح و نقش اسلیمی است. بر روی ستون‌ها و بعضی دیوارها از روی آینه‌های جام و در برخی از جاهای اتاق نیز از قاب آینه مفرغی استفاده شده است، بعد خوبی به فضا می‌دهد. در مرز بین سقف و دیوار، یک نوار مقرنس به صورت قندیلی کار شده است. بر بالای پنجره‌های کتیبه که در وسط گره چینی و دو طرف آن جام آینه با تصویر پنجره زیرین وجود دارد. در کنار قاب‌های آینه، ردیف گره چینی اسلامی به چشم می‌خورد. همچنین در تالار گل لوتوس در بعضی نقاط دیده می‌شوند که با گره چینی ترکیب شده است (یوسفعلی، ۱۳۹۵: ۹).

کاخ سعدآباد

تالار آینه: در مقابل پله‌های ورودی، تالار آینه با تزئینات بسیار فاخر و پرکاربرد به چشم می‌خورد که به طور قطع، می‌توان این اتاق را از لحاظ زیبایی، پرکاربردترین تالار کل مجموعه سعدآباد دانست. در این تالار، برخلاف اتاق انتظار از طرح‌های اسلیمی و گره چینی اسلامی بهره گرفته شده است. یک ردیف قطار بندی مقرنسی سقف را از دیوار جدا ساخته است. دیوار شرقی و غربی هر کدام به هفت قسمت تقسیم می‌شوند. قسمت میانی به شومینه اختصاص یافته که مزین به آینه کاری و گچ گردیده است. در کتیبه، از آلت گره شمسه ایرانی و طرح‌های اسلیمی کار شده است. دو قسمت نیز به درب دسترسی به اتاق‌های کناری و سه قسمت باقیمانده به کتیبه‌های گره چینی شده وابسته‌اند که در آن عناصری از آلت‌های گره طبل، لوز، چهار پر، ستاره پنج پر تند، سلی، ترنج کند، دانه بلوط، شمسه ایرانی و مربع در آن کار شده است (همان: ۷).

مقایسه آینه کاری کاخ اصلی گلستان و کاخ سبز سعدآباد

ورودی کاخ: گلستان دارای تزئینات بسیاری از آینه و گچ‌بری است و بسیار فاخر است، اما کاخ سبز ورودی ساده‌تری دارد و تنها به ایجاد چند کتیبه بسنده می‌کند. طرح قاب‌ها در کاخ گلستان چینی است و در کاخ سعدآباد اسلیمی است.

سقف کاخ‌ها: تالار گلستان سقف صافی دارد که با مستطیل‌های هم‌اندازه تقسیم بندی

گشته‌است، اما در مورد سعدآباد، باید خاطر نشان کرد که دارای پوششی کادربندی و تاب است که با جزئیات بسیار فاخر مزین شده‌است.

آزاره دیوارها: در مورد آزاره، دو تفاوت عمده وجود دارد که به دلیل سبک آینه‌کاری این دو تالار برمی‌گردد. تالار آینه کاخ گلستان بیشتر از جام‌های آینه بزرگ به صورت قاب‌های جدا از هم استفاده شده‌است و جزئیات کم‌تری دارد. به همین دلیل، در آزاره این تالار و جام‌های آینه با فریم برجسته آینه‌کاری شده‌است، اما در نمونه سعدآباد، آزاره ترکیبی از آینه و گچ‌بری است. طرح این آزاره با مستطیل‌های یک اندازه تقسیم‌بندی شده‌است که بالای آن‌ها یک پیکربندی با آینه‌های شکسته اجرا شده‌است.

در مقایسه آینه‌کاری کاخ گلستان و سعدآباد، به این نکته می‌رسیم که در دوران قاجار در کاخ گلستان، طرح‌های اسلیمی کم‌تر استفاده می‌شده و نگارگری اروپایی به گره‌چینی اسلامی اضافه می‌گردد، ولی در کاخ سبز در دوران پهلوی، اول از نقوش اسلیمی، گره‌چینی اسلامی و بعضی عناصر سازهایی که مختص ایرانیان است، استفاده شده‌است. بنابراین کاخ سبز بر خلاف وسعتش، باشکوه‌تر و فراخ‌تر است و هویت بیشتری دارد.

نتیجه

طبق بررسی‌هایی که در این پژوهش شد، مشخص گردید که هنر آینه‌کاری، هنری است که مختص ایرانیان است و طبق شواهد موجود این هنر به سال ۹۰۵ ش بازمی‌گردد. آینه‌کاری در ایران در دوره زندیه، قاجار و صفویه کاربرد داشته که بیشتر در قالب پنجره‌ها، دیوارها، سقف‌ها و ستون‌ها در آلاچیق‌ها و خانه‌های خصوصی، چاپخانه‌ها و به خصوص در بناهای سلطنتی و زیارت‌گاه‌ها اعمال می‌کردند و بعد از آن، در نماهای خارجی و ورودی تالارها، باغ‌ها، حیاط‌ها و نیز گاهی اوقات در استخرها استفاده می‌شد.

اولین ظهور استفاده آینه‌کاری در ایران، به شهر قزوین برمی‌گردد و سپس در شهر اصفهان و شیراز و بعد یزد و تهران برمی‌گردد و در تحلیل‌های کاربرد آینه‌کاری در ایران، به این نتیجه می‌رسیم که آینه تنها به صورت پوسته‌ای تزئینی در فضاهای بسته و گاه نیمه‌باز به کار رفته‌است و هرچند این هنر در مواردی محدود و طی قرن‌های اخیر صورت گرفته بیشتر استفاده و کاربرد آن در بناهای مقدس مانند مسجد و بناهای سلطنتی، کاخ‌های آنان بوده، پس می‌توان نتیجه گرفت که این هنر یک نوع هنر خاص بوده که عوام از آن هیچ استفاده‌ای

نمی کرده‌اند و در اختیار دین و قدرت بوده‌است. شاید همین امر، دلیل محدود بودن و به فراموشی سپرده شدن این هنر باشد و دلیل دیگر کاربرد آینه نیاز به صبر و حوصله و دقت فراوان دارد تا تکه‌های ریز آینه را در کنار یکدیگر قرار دهند و این امر بسیار خسته‌کننده و زمان‌بر است و برخلاف بعضی هنرهای ظریفه مانند نگارگری که در مقیاس کوچک کار می‌شوند، این هنر ظریفه در مقیاس‌های بسیار بزرگ مانند در، پنجره، دیوار و سقف به کار می‌رفته‌است، عقب ماندگی این هنر را دو چندان می‌کند و دلیل دیگر این که در آینه کاری از دوره قاجار به بعد تغییر و تحول خاصی در آن رخ نداده‌است تا خود را با شرایط روز وقف دهد. این دلایلی که بیان شد این امر را بیشتر اهمیت می‌بخشد تا پژوهش‌های بسیاری انجام شود و چاره‌های اندیشیده شود تا این هنر از یاد رفته را احیا نماید.

منابع

- زارعی، هانی. (۱۴۰۰). «ویژگی آینه کاری خانه‌های قاجار شهر شیراز از منظر فنون اجرایی و نوع تزئینات». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران. ۱۱ (۲۹)، ۲۲۳-۲۴۴.
- علی آبادی، محمد و جمالیان، سمیه. (۱۳۹۱). «بازشناسی الگوهای آینه کاری در بناهای قاجاری شیراز». تگره. ۲۳.
- عیسی، رز و برومندی، گلرخ. (۱۳۸۸). هنرمندان معاصر ایران. تندیس. ۴.
- معماربان، غلامحسین. (۱۳۷۳). آشنایی با معماری مسکونی ایران، گونه‌شناسی درون‌گرا. تهران: دانشگاه علم و صنعت.
- مقیمقی پور بیژنی، طاهره. (۱۳۸۷). «آینه کاری در معماری دوره قاجار (نگاهی مختصر بر پیشینه آینه و کاربرد آن در تاریخ هنر ایران)». کتاب ماه مهر. ۱۱۹، ۷۰-۷۷.
- نیک پی، شقایق و سعادت، داوود. (۱۳۹۷). «بررسی نقش هنر آینه کاری در تزئینات معماری». ایوان چهارسو. ۱۴.
- واعظی، علی و عزیزنژاد، روح اله. (۱۳۹۶). «اهمیت آینه کاری در دوره صفویه و قاجار». کنفرانس بین المللی عمران، معماری و زیرساخت‌های شهری.
- یوسفعلی، داوود. (۱۳۹۵). بررسی و مقایسه آینه کاری تالار آینه در کاخ گلستان و کاخ سعدآباد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکزی.